

## تأثیر کیفیت حسابرسی مستقل بر مدیریت سود و هزینه‌ی سرمایه سهام\*

ویدا مجتهدزاده

دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه الزهرا (س)

زهرا بابایی

کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه الزهرا (س)

**چکیده:** جدایی مالکیت از مدیریت، رسوایی شرکت‌های بزرگ، بحران‌های مالی، آشفتگی بازارهای سرمایه و مواردی از این قبیل، اعتماد سرمایه‌گذاران را سلب و نگرانی‌های آن‌ها را برای حضور در بازار سرمایه افزایش داده است. هدف این پژوهش بررسی رابطه‌ی «کیفیت حسابرسی مستقل» به عنوان متغیر مستقل و «مدیریت سود» و «هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام» به عنوان متغیرهای وابسته است. کیفیت حسابرسی با معیار تخصص حسابرسان در صنعت و با استفاده از رویکرد سهم بازار مؤسسه‌ی حسابرسان محاسبه شد. مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری و با استفاده از مدل جونز تعدیل شده تعیین شد. جامعه‌ی آماری شامل ۱۴۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره‌ی چهار ساله ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ با در نظر گرفتن برخی ویژگی‌ها بود. نتایج بیانگر آن است که رابطه‌ی معکوسی بین کیفیت حسابرسان و مدیریت سود وجود دارد. هم‌چنین، با افزایش کیفیت حسابرسان، هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام کاهش می‌یابد؛ به عبارتی رابطه‌ی منفی معنادار بین این متغیرها وجود دارد.

**واژگان کلیدی:** کیفیت حسابرسان مستقل، مدیریت سود، هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام، ارقام تعهدی اختیاری.

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۸/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۱۰/۱۹

## ۱- مقدمه

جهانی شدن با توسعه و پویایی بازار و در عین حال افزایش بی‌ثباتی و درجه‌ی بالاتر شک و تردید در سطح شرکت‌های بزرگ همراه بوده است. همچنین رسوایی‌های مالی اخیر در سطح جهان، نگرانی‌هایی را در رابطه با قابلیت اتکای صورت‌های مالی ایجاد کرده است. این رسوایی‌ها و پیامدهای پس از آن، دلیل اصلی برای توجه بیشتر به کیفیت صورت‌های مالی است. علاوه بر این، فشار بحران‌های مالی بر بسیاری از کشورهای جهان در سال‌های اخیر، تقاضا برای حسابرسی با کیفیت بالا را افزایش داده است (زوریگات<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱).

جدایی مالکیت از کنترل در شرکت‌ها منجر به عدم تقارن اطلاعاتی بین مالکان و مدیران می‌شود. به علاوه نظریه‌ی انتظارات منطقی و نظریه‌ی نمایندگی نشان می‌دهد که مالکان (سرمایه‌گذاران) و نمایندگان (مدیران) منافع متفاوتی دارند که موجب به وجود آمدن عدم تقارن اطلاعاتی از نوع خطر اخلاقی<sup>۳</sup> می‌شود. والاس<sup>۴</sup> (۱۹۸۰) استدلال کرد که سرمایه‌گذاران، با قیمتی که برای سهام در بازار تعیین می‌شود، در مقابل زیان‌های ناشی از سرمایه‌گذاری حفاظت می‌شوند. حسابرسان، این حفاظت قیمتی را با سه نقش نظارتی، اطلاعاتی و بیمه‌ای حمایت می‌کند (فرناندو و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰). با توجه به نظریه‌ی نمایندگی حسابرسان نقش مهمی در کاهش عدم تقارن اطلاعات بین سهامداران و مدیران ایفا می‌کند. بنابراین، برای کارایی بازار سرمایه، حسابرسی با کیفیت بالا مورد تقاضا است (زنکین و اوزکان<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰). زیرا، حسابرسی اعمال‌نظر فرصت طلبانه‌ی مدیریت در صورت‌های مالی را کاهش می‌دهد. بنابراین، انگیزه‌های قوی‌تر برای مدیریت سود، اهمیت حسابرسی را به عنوان یک ابزار کنترلی در نظام راهبری شرکتی قوی‌تر مورد توجه قرار می‌دهد (چن و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۱).

## ۲- چارچوب نظری و پیشینه‌ی تحقیق

### ۲-۱- چارچوب نظری

یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی، قابل اتکا بودن است. اطلاعاتی قابل اتکا است که عاری از اشتباه و تمایلات جانبدارانه با اهمیت باشد و به طور صادقانه معرف آن چیزی باشد که مدعی آن است یا به گونه‌ای معقول انتظار می‌رود بیان کند (بند ۱۲ فصل ۲ مفاهیم

نظری گزارشگری مالی ایران). با توجه به مقوله‌ی جدایی مالکیت از مدیریت، بحث نظام راهبری شرکتی و نظریه‌های مطرح شده مرتبط با آن از قبیل نظریه‌ی نمایندگی، نظریه‌ی ذینفعان و سایر نظریه‌های مرتبط، نیاز به رسیدگی و حسابرسی صورت‌های مالی شرکت‌ها کاملاً احساس می‌شود. صورت‌های مالی حسابرسی شده دارای ارزش افزوده هستند. زیرا نتایج مربوط بودن و قابلیت اتکای محتوای صورت‌های مالی را گزارش می‌کنند (حساس یگانه، ۱۳۸۴). حسابرسی می‌تواند یکی از راه‌های جلوگیری و کاهش مدیریت سود باشد، زیرا سود گزارش شده در صورت‌های مالی حسابرسی شده دارای محتوای اطلاعاتی و کیفیت بالا است (هنیف<sup>۸</sup>، ۲۰۱۰). مدیریت سود یکی از عوامل مخدوش کننده‌ی کیفیت گزارشگری مالی محسوب می‌شود و همه‌ی ذینفعان شرکت به آن توجه دارند. زیرا هرگونه مداخله که صحت سود گزارش شده را تحریف کند، بر تصمیم‌گیری کاربران اثر دارد (زنگین و اوزکان، ۲۰۱۰).

با توجه به نظریه‌ی نمایندگی حسابرس نقش مهمی در کاهش عدم تقارن اطلاعات بین سهامداران و مدیران ایفا می‌کند. با شکل‌گیری رابطه‌ی نمایندگی، هزینه‌های نمایندگی ناشی از تضاد منافع بین طرفین ایجاد می‌شود که اثر معکوسی بر ارزش شرکت دارد؛ یعنی اگر بازار انتظار وقوع چنین هزینه‌هایی را داشته باشد، ارزش شرکت کاهش خواهد یافت. از این رو شرکت به دنبال کنترل و کاهش چنین هزینه‌هایی است که سازوکارهای نظام راهبری شرکتی می‌تواند به کاهش و کنترل هزینه‌های نمایندگی و اثرات منفی آن بر ارزش شرکت کمک نماید (ال میر و سبوی<sup>۹</sup>، ۲۰۰۸). اطلاعات ناقص در مورد کیفیت و ارزش اقتصادی شرکت منجر به تحمیل ریسک نمایندگی بیشتر به سهامدار می‌شود. سرمایه‌گذاران منطقی برای تحمل ریسک نمایندگی درخواست صرف می‌کنند که به طور مؤثر موجب افزایش هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت می‌شود (باشمن و اسمیت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱).

## ۲-۱-۱- کیفیت حسابرسی

با توجه به تعاریف مختلف مطرح شده در مورد کیفیت حسابرسی در مطالعات گذشته، چارچوب آن را می‌توان به این صورت بیان کرد: کیفیت حسابرسی عبارت است از حسن شهرت و مراقبت‌های حرفه‌ای حسابرس. در نتیجه، حسن شهرت حسابرس بر اعتبار صورت‌های مالی می‌افزاید و نظارت و مراقبت‌های حرفه‌ای او، کیفیت اطلاعات صورت‌های مالی را افزایش می‌دهد (نونهال نهر و همکاران، ۱۳۸۹). برای سنجش کیفیت

حسابرسی، معیارهای مختلفی از جمله: اندازهی مؤسسه حسابرسی، تخصص حسابرس در صنعت و دورهی تصدی حسابرس استفاده شد.

• اندازهی مؤسسهی حسابرسی

دی آنجلو<sup>۱۲</sup> (۱۹۸۱) به طور تحلیلی نشان داد که مؤسسات حسابرسی بزرگتر، انگیزه‌های بیشتری برای ارائهی خدمات حسابرسی با کیفیت بالا دارند. هم‌چنین دی آنجلو و همکاران (۲۰۰۰) شواهد قوی‌تری یافتند که مؤسسه‌های حسابرسی بزرگتر تمایل بیشتری به ارائهی گزارش‌های حسابرسی تعدیل شده (مشروط) نسبت به سایر مؤسسه‌ها دارند (چن و همکاران، ۲۰۱۱). مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ، برای اعتباربخشی به صورت‌های مالی صاحبکار نسبت به سایر مؤسسه‌های حسابرسی تلاش بیشتری می‌کنند و حسابرسی با کیفیت بالاتری را ارائه می‌دهند (چی و همکاران<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۱).

• تخصص حسابرس در صنعت

تخصص حسابرس در صنعت مستلزم داشتن دانش گسترده‌ای از محیط کاری، روش‌های حسابداری صنعتی و شیوه‌های بالقوهی سوءاستفادهی حسابداری صاحبکار است. سرمایه‌گذاران دانش و تخصص حسابرس را به عنوان عامل کاهندهی ریسک اطلاعات می‌دانند (فرناندو و همکاران، ۲۰۱۰). در مجموع، ادبیات حسابرسی دو روش را برای در نظر گرفتن تخصص حسابرس در صنعت به عنوان معیار کیفیت به رسمیت شناخته است:

۱- رویکرد سهم بازار<sup>۱۴</sup>

در این رویکرد، آن مؤسسه حسابرسی متخصص صنعت محسوب می‌شود که سهم بیشتری از بازار کار حسابرسی در آن صنعت را نسبت به سایر رقبا به خود اختصاص داده باشد. مؤسسه‌ای که سهم بزرگتری از بازار را در اختیار دارد، از دانش تخصصی بالاتری در مورد آن صنعت خاص برخوردار است.

۲- رویکرد سهم پرتفوی<sup>۱۵</sup>

این رویکرد، توزیع نسبی خدمات حسابرسی در صنایع مختلف را برای هر مؤسسه‌ی حسابرسی در نظر می‌گیرد. مربوط بودن سهم بزرگتری از پرتفوی مؤسسات صاحبکار به صنعتی خاص نشان دهندهی سرمایه‌گذاری معنادار مؤسسه حسابرسی در توسعهی فن-آوری‌های حسابرسی مرتبط با آن صنعت است (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۸).

## • دوره‌ی تصدی حسابرِس

یکی دیگر از شاخص‌های کمی اندازه‌گیری کیفیت حسابرِسی «میزان مراقبت حرفه‌ای حسابرِس و توانایی نظارت آن» یعنی «دوره‌ی تصدی حسابرِس» است. هر چه دوره‌ی تصدی حسابرِس بیشتر باشد، شناخت او از صاحبکار و تخصص او در آن صنعت خاص بالاتر می‌رود و موجب افزایش کیفیت حسابرِسی می‌شود (نمازی و همکاران، ۱۳۸۹).

### ۲-۱-۲- مدیریت سود

مدیریت سود، دستکاری سود در محدوده‌ی اصول پذیرفته شده‌ی حسابداری است و زمانی رخ می‌دهد که مدیران از قضاوت خود در گزارش‌های مالی و ساختار معاملات در جهت تغییر گزارش‌های مالی استفاده می‌کنند و موجب گمراهی سهامداران در رابطه با عملکرد اقتصادی شرکت و تأثیر بر نتایج قراردادهای منعقد بر اساس ارقام حسابداری می‌شوند. با استفاده از قضاوت در انتخاب روش‌های حسابداری، مدیریت انعطاف‌پذیری لازم برای به کار بردن استانداردهای حسابداری در گزارش عملکرد مالی را به دست می‌آورد. این انعطاف‌پذیری، فرصت مدیریت سود را برای مدیران فراهم می‌کند (زنگین و اوزکان، ۲۰۱۰). مدیریت سود می‌تواند به اشکال مختلف از جمله موارد زیر انجام شود:

۱- می‌تواند نتیجه‌ی مستقیم استفاده از قضاوت در صورت‌های مالی باشد؛  
۲- می‌تواند دستکاری سود توسط مدیران برای رسیدن به برخی اهداف از جمله: پرداخت پاداش بالاتر به مدیریت، قیمت بالاتر سهام، رسیدن به پیش‌بینی تحلیل‌گران و کاهش هزینه‌های قراردادی باشد؛

۳- می‌تواند به وسیله‌ی معاملات صوری (برای مثال، تأخیر در شناسایی فروش) انجام شود. این نوع مدیریت سود تحت قضاوت حرفه‌ای نیست؛ بلکه نقض آشکار استانداردهای حسابداری و مقررات محسوب می‌شود؛ و

۴- می‌تواند دستکاری سود به وسیله‌ی نقض مقررات و استانداردهای حسابداری یا بدون نقض استانداردهای حسابداری باشد. سودی که از طریق نقض استانداردهای حسابداری و مقررات دستکاری می‌شود، تقلب نام دارد و متقلب سزاوار مجازات است.

بنابراین مدیریت سود، مخفی کردن تصویر واقعی شرکت به منظور دستیابی به برخی اهداف از پیش تعیین شده است. این فرآیند می‌تواند بدون/ با نقض استانداردهای حسابداری و مقررات، با هدف ضربه زدن به کسی یا به دست آوردن منافع شخصی انجام شود (هنیف، ۲۰۱۰).

حسابرسی با کیفیت بالا، احتمال تعیین شیوه‌های حسابداری مشکوک، محدود کردن سودهای بیش از حد و افشای اشتباهات را افزایش می‌دهد. به علاوه، کیفیت حسابرسی بالا می‌تواند اقلام تعهدی غیرعادی واحدهای اقتصادی را که محرک فرصت طلبی مدیران است، کاهش دهد (لی و همکاران، ۲۰۰۹).

### ۲-۱-۳- هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام

هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام نرخ بازده مورد انتظاری است که سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در سهام شرکت تقاضا می‌کنند و نشان دهنده‌ی هزینه‌ی فرصتی است که می‌توانند در سرمایه‌گذاری با ریسک مشابه به دست آورند (هو و همکاران<sup>۱۶</sup>، ۲۰۱۰). هم‌چنین می‌توان گفت، هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام نرخ بازده مورد انتظاری است که سرمایه‌گذاران منطقی برای ریسکی که تحمل می‌کنند درخواست می‌نمایند. هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام در برگیرنده‌ی صرفی برای ریسک نمایندگی است. بنابراین، هرچه ریسک شرکت بیشتر باشد هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام نیز بیشتر می‌شود؛ زیرا سرمایه‌گذاران نسبت به جریان‌های نقد آتی اطمینان ندارند و برای پوشش این ریسک بازده بیشتری درخواست می‌کنند (اشبوق و همکاران<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۴). برای ارزیابی هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام مدل‌های مختلفی ارائه شده است.

دو روش کلی برای برآورد هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام، استفاده از اطلاعات بازده سهام تحقق یافته برای برآورد هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام (مانند CAPM) و رویکرد ضمنی است. در رویکرد اخیر، هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام به عنوان بازده داخلی در نظر گرفته می‌شود که ارزش فعلی جریان‌های نقد آتی مورد انتظار را با قیمت سهام فعلی برابر می‌کند (ویتمر و زورن<sup>۱۸</sup>، ۲۰۰۷).

هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام به شکل‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. تحلیل-گران، سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان ممکن است برای ارزیابی ریسک، نرخ بازده مورد انتظار و نیز تحت برخی شرایط برای محاسبه ارزش ذاتی از هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام استفاده کنند. برای نمونه، اگر یک تحلیلگر انتظارات متفاوتی از جریان نقد آتی بازار داشته باشد؛ ممکن است با استفاده از قیمت سهام و برآورد جریان‌های نقد آتی مورد انتظار بازار، هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام ضمنی را محاسبه کند؛ سپس از آن نرخ به منظور تنزیل جریان‌های نقد مورد انتظار برای به دست آوردن ارزش ذاتی سهام استفاده کند. اعتباردهندگان و قانون‌گذاران ممکن است هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام ضمنی را به عنوان

معیار مبتنی بر بازار برای ریسک شرکت در نظر بگیرند. هم‌چنین، هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام ضمنی برای برآورد صرف ریسک سهام مورد استفاده قرار می‌گیرد (نیسیم<sup>۹</sup>، ۲۰۱۰).

## ۲-۲- پیشینه‌ی تحقیق

کاناگارتنام، کیم و لوبو<sup>۲۰</sup> (۲۰۱۰)، با توجه به این که فعالیت‌های بانک‌ها در محیطی قانونمند انجام و توسط بانک مرکزی و سایر نهادهای نظارتی کنترل می‌شود، به بررسی رابطه بین شهرت حسابرس و مدیریت سود در بانک‌های ۲۹ کشور جهان پرداختند. نتایج نشان داد، زمانی که نوع حسابرسی و تخصص حسابرس در صنعت در آزمون‌های مشابه ارزیابی می‌شوند، تنها تخصص حسابرس در صنعت تأثیر قابل توجهی بر محدود کردن مدیریت سود برای رسیدن به نقطه مبنا دارد. آزمون‌های جداگانه نشان داد، هم نوع صنعت و هم تخصص حسابرس در صنعت، مدیریت سود رو به بالا را محدود می‌کند. جردن، کراک و هامیس<sup>۲۱</sup> (۲۰۱۰)، با توجه به این که گرد کردن EPS به سمت بالا در ارزش شرکت تأثیر دارد؛ در پژوهشی بررسی کردند که آیا کیفیت حسابرسی، مدیریت سود را برای رسیدن به نقطه مبنای EPS در شرکت‌های آمریکایی محدود می‌کند؟ نتایج نشان داد که کیفیت حسابرسی به طور معنی‌داری تلاش‌های مدیران را در گرد کردن EPS به سمت بالا محدود می‌کند، به طوری که صاحبکاران مؤسسه‌های بزرگ حسابرسی نسبت به سایر مؤسسه‌های حسابرسی کمتر تمایل به گرد کردن EPS به سمت بالا دارند. لین و هوانگ<sup>۲۲</sup> (۲۰۱۰)، در بررسی کیفیت حسابرسی، نظام راهبری شرکتی و مدیریت سود نشان دادند که در رابطه با متغیر نظام راهبری شرکتی، استقلال هیئت مدیره و تخصص آن‌ها رابطه‌ی منفی با مدیریت سود دارند. به علاوه، بین مدیریت سود و استقلال کمیته حسابرسی، اندازه، تخصص و تعداد جلسات آن‌ها رابطه‌ی منفی وجود دارد. هم‌چنین، متغیرهای کیفیت حسابرسی، دوره‌ی تصدی حسابرس، اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی و تخصص حسابرس در صنعت با مدیریت سود رابطه‌ی منفی داشتند. فرناندو، ابدل میگیواید و ایدر<sup>۲۳</sup> (۲۰۱۰)، در پژوهشی با عنوان «ویژگی‌های کیفیت حسابرسی، اندازه‌ی صاحبکار و هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام» اثر ویژگی‌های کیفیت حسابرسی مانند: شهرت حسابرس، تخصص حسابرس در صنعت و دوره‌ی تصدی حسابرس بر هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام صاحبکار را مورد بررسی قرار دادند. در نهایت، به این نتیجه رسیدند که اندازه‌ی حسابرس (حسابرس عضوی از مؤسسه‌های بزرگ حسابرسی باشد)، تخصص حسابرس در صنعت و دوره‌ی تصدی حسابرس با هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام رابطه‌ی منفی دارد.

ابراهیمی کردلر و سیدی (۱۳۸۷)، در پژوهشی با عنوان «نقش حسابرسان مستقل در کاهش اقلام تعهدی اختیاری» به تبیین، رابطه‌ی بین حسابرسان مستقل و نوع اظهارنظر حسابرسان با مدیریت سود پرداختند. در نهایت، یافته‌های پژوهش نشان داد که فقط نوع مؤسسه‌ی حسابرسی با اقلام تعهدی اختیاری رابطه دارد. نمازی، بایزیدی و جبارزاده کنگرلویی (۱۳۸۹)، در پژوهشی به بررسی رابطه‌ی بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که در حالت کلی یک رابطه‌ی مثبت و ضعیف بین معیارهای اندازه‌ی حسابرسان (حسن شهرت حسابرسان) و دوره‌ی تصدی حسابرسان با مدیریت سود وجود دارد ولی این رابطه از لحاظ آماری معنی‌دار نبود. به دلیل وجود مشکل هم خطی در مدل کلی، رابطه‌ی بین متغیرها را به صورت جداگانه مورد بررسی قرار دادند. نتایج نهایی نشان داد که بین مدیریت سود و اندازه‌ی حسابرسان، یک رابطه‌ی مثبت ولی غیر معنی‌دار و همچنین، بین مدیریت سود و دوره‌ی تصدی حسابرسان رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار وجود دارد.

### ۳- روش‌شناسی تحقیق

#### ۳-۱- فرضیه‌های تحقیق

- با بررسی ادبیات و نتایج تحقیقات گذشته فرضیه‌های زیر طراحی شد:
- ۱- کیفیت حسابرسی مستقل با مدیریت سود رابطه‌ی معنادار دارد.
  - ۲- کیفیت حسابرسی مستقل با هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام رابطه‌ی معنادار دارد.

#### ۳-۲- روش تحقیق

این بررسی در حوزه‌ی پژوهش‌های اثباتی حسابداری است و از لحاظ هدف در زمره‌ی پژوهش‌های کاربردی و توصیفی-همبستگی قرار می‌گیرد. آنچه این تحقیق را به سوی کاربردی سوق می‌دهد، توجه به کیفیت حسابرسی برای کاهش مدیریت سود و هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام و ایجاد بستری مناسب برای سرمایه‌گذاری می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌ها از نرم افزار SPSS استفاده شده است.



### ۳-۳-جامعه و نمونه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری این تحقیق شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره ۴ ساله‌ی ۱۳۸۶-۱۳۸۹ است. به دلیل نیاز به داده‌های سه سال تأخیری دوره‌ی زمانی پژوهش ۱۳۸۳-۱۳۸۹، با در نظر گرفتن ویژگی‌های زیر است:

شرکت‌هایی که تا ۲۹ اسفند ۱۳۸۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند؛ به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره‌ی مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد؛ طی دوره-ی تحقیق، تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشند؛ جزء مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، بانک‌ها، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ‌ها) نباشند؛ و اطلاعات شرکت در دسترس باشد. به این ترتیب طی نمونه‌گیری مرحله‌ای تعداد ۱۴۷ شرکت انتخاب شد.

### ۳-۴-متغیرها و مدل‌های تحقیق

#### ۳-۴-۱-اندازه‌گیری متغیر مستقل

متغیر مستقل این تحقیق، کیفیت حسابرسی است که از معیار تخصص حسابرس در صنعت و رویکرد سهم بازار بهره گرفته شد. هر چه سهم بازار حسابرس بیشتر باشد، تخصص حسابرس در آن صنعت و تجربه او نسبت به سایر رقبا بالاتر است. همچنین داشتن سهم بالای بازار (سهم غالب بازار) به این نکته اشاره دارد که حسابرس به طور موفقیت آمیزی خود را از سایر رقبا به جهت کیفیت حسابرسی متمایز کرده است.

سهم بازار حسابرسان به صورت زیر محاسبه شد:

$$\text{سهم بازار حسابرسان} = \frac{\text{مجموع دارایی‌های تمام صاحبکاران هر موسسه حسابرسی در صنعت خاص}}{\text{مجموع دارایی‌های تمام صاحبکاران در این صنعت}}$$

مؤسساتی به عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته شد، که سهم بازارشان بیش از  $(1/2) \times$  (شرکت‌های موجود در یک صنعت/۱) باشد (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۸).

### ۳-۴-۲- اندازه‌گیری متغیر وابسته

یکی از متغیرهای وابسته‌ی تحقیق، مدیریت سود است. اقلام تعهدی اختیاری با استفاده از مدل تعدیل شده جونز محاسبه شد:

(۱)

$$TACC_{it} / TA_{it-1} = \beta_1 (1 / TA_{it-1}) + \beta_2 (\Delta REV_{it}) / TA_{it-1} + \beta_3 PPE_{it} / TA_{it-1} + \varepsilon_{it}$$

$TACC_{it}$  = کل اقلام تعهدی (سود خالص قبل از اقلام غیرمترقبه منهای خالص جریان-های نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی). جریان‌های نقد عملیاتی به شرح زیر محاسبه شده است:

جریان نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی = جریان نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی طبق صورت جریان وجوه نقد + جریان نقد ناشی از بازده سرمایه‌گذاری و سود پرداختی بابت تأمین مالی + سود سهام پرداخت شده - جریان نقد مرتبط با مالیات بر درآمد.

$TA_{it-1}$  = کل دارایی‌ها در سال  $t$  برای  $i$  امین شرکت.

$\Delta REV_{it}$  = تغییر در درآمدها از سال  $t-1$  تا سال  $t$  برای  $i$  امین شرکت.

$PPE_{it}$  = ارزش ناخالص دارایی‌های ثابت در سال  $t$  برای  $i$  امین شرکت.

$\varepsilon_{it}$  = پسماند رگرسیون که فرض می‌شود به طور مقطعی ناهمبسته و به صورت نرمال با میانگین صفر توزیع شده است.

مدل (۱) برای هر صنعت و هر سال برآورد گردید و ضرایب برآوردی  $\beta_1$ ،  $\beta_2$ ،  $\beta_3$  حاصل از مدل (رگرسیون) برای تخمین سطح اقلام تعهدی اختیاری به شرح زیر مورد استفاده قرار گرفت:

(۲)

$$DACC_{it} = TACC_{it} / TA_{it-1} - [\beta_1 (1 / TA_{it-1}) + \beta_2 (\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}) / TA_{it-1} + \beta_3 PPE_{it} / TA_{it-1}]$$

$DACC_{it}$  = مؤلفه‌ی اقلام تعهدی مدیریت شده (اختیاری) برای شرکت  $i$  سال  $t$ .

$\Delta REC_{it}$  = تغییر در حساب‌های دریافتنی از سال  $t-1$  تا سال  $t$  برای  $i$  امین شرکت.

### ۳-۴-۳- مدل‌های آزمون فرضیه‌های تحقیق

برای آزمون فرضیه‌ی اول، مدل زیر مورد استفاده قرار گرفت:

(۳)

$$|DACC_{it}| = \beta_0 + \beta_1 AUD_{it} + \beta_2 BETA_{it} + \beta_3 BM_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 SIZE_{it} + \beta_6 CFO_{it} + \beta_7 ST/PT_{it} + \beta_8 OWNER_{it} + \beta_9 INDIR_{it} + \varepsilon_{it}$$

$|DACC_{it}|$  = قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری.

$AUD$  = برای مؤسسات حسابرسی با کیفیت بالا شاخص عدد یک و برای سایر مؤسسات حسابرسی عدد صفر در نظر گرفته شد.  
 $BETA$  = ریسک سیستماتیک (که از پایگاه اطلاعاتی بورس اوراق بهادار به دست آمد).  
 $BM$  = نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سرمایه.  
 $LEV$  = جمع بدهی‌ها تقسیم بر جمع دارایی‌ها.  
 $SIZE$  = لگاریتم ارزش بازار سرمایه.  
 $CFO$  = جریان نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی تقسیم بر جمع دارایی‌ها در اول دوره.  
 $ST/PT$  = اگر شرکت برای دو سال متوالی زیان‌ده بود، عدد یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته شد.

$OWNER$  = درصد مالکیت سهام‌داران نهادی .

سهام‌داران نهادی: منظور صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های بیمه، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، مؤسسات اعتباری و بانک‌ها هستند که سهام شرکت‌های دیگر را در اختیار دارند (چونگ و همکاران<sup>۲۳</sup>، ۲۰۰۲).

$INDIR$  = درصد مدیران غیر موظف.

برای بررسی فرضیه‌ی دوم نیز از مدل شماره ۴ استفاده شد:

(۴)

$$ROE_{it} = \beta_0 + \beta_1 DURG_{it} + \beta_2 AUD_{it} + \beta_3 AUD_{it} * DURG_{it} + \beta_4 BETA_{it} + \beta_5 BM_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 SIZE_{it} + \beta_8 GROWTH_{it} + \beta_9 OWNER_{it} + \beta_{10} INDIR_{it} + \varepsilon_{it}$$

$ROE_{it}$  = بازده حقوق صاحبان سهام برای شرکت  $i$  در سال  $t$ .

$$ROE_{it} = \frac{\text{سود خالص}}{\text{ارزش دفتری سرمایه شرکت در سال } t-1}$$

$\beta_0$  = هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام.

$DURG_{it}$  = سرففلی ثبت نشده برای شرکت  $i$  در سال  $t$ .

$$DURG_{it} = \frac{\text{ارزش بازار سرمایه شرکت در سال } t - \text{ارزش دفتری سرمایه شرکت در سال } t}{\text{ارزش دفتری سرمایه شرکت در سال } t-1}$$

GROWTH = متوسط رشد درآمد در طول ۳ سال گذشته.

- ۱- ضریب  $\beta_0$  هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های با کیفیت حسابداری پایین؛
- ۲-  $\beta_0 + \beta_2$  هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های با کیفیت حسابداری بالا؛ و
- ۳-  $\beta_2$  میزان تغییر در هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام به علت تغییر در کیفیت حسابداری (چن و همکاران، ۲۰۱۱؛ کیم<sup>۲۴</sup>، ۲۰۱۰)؛ که در صورت معنی‌دار بودن نشان می‌دهد تغییر در کیفیت به گونه‌ای معنی‌دار هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام شرکت را تغییر می‌دهد.

#### ۴- یافته‌های تحقیق

##### ۴-۱- آمار توصیفی

با توجه به نتایج آمار توصیفی می‌توان تفسیر کرد در برخی متغیرها پراکندگی زیادی وجود دارد که براساس مقدار انحراف استاندارد نیز استنباط می‌شود. هم چنین از روی فاصله‌ی میانگین و میانه می‌توان متقارن بودن یا نبودن (و وجود داده‌های پرت) را نتیجه گرفت. اینجا به جز متغیر بتا، تاحدودی همه متغیرها متقارن و دارای انحراف معیار مناسب هستند. آمار توصیفی مربوط به چهار سال مورد بررسی در نگاره ۱ ارائه شده است.

نگاره ۱: آمار توصیفی

متغیر	تعداد	میانگین	میانه	انحراف معیار	چارک اول	چارک سوم
AUD	۵۸۸	-۰/۶۴۵	۱/۰۰۰	۰/۴۷۹	-۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
DACC	۵۸۸	۱/۰۷۷	-۰/۲۳۰	۳/۴۷۷	-۰/۱۰۰	-۰/۷۳۰
SIZE	۵۸۸	۵/۴۷۵	۵/۴۰۰	۰/۶۳۲	۵/۰۲۳	۵/۸۷۰
LEV	۵۸۸	-۰/۶۵۰	-۰/۶۴۰	۰/۲۱۶	-۰/۵۳۰	-۰/۷۶۰
INV	۵۸۸	-۰/۲۴۹	-۰/۲۳۰	۰/۲۸۴	-۰/۱۵۰	-۰/۳۲۰
REC	۵۸۸	-۰/۲۱۶	-۰/۲۰۰	۰/۱۵۴	-۰/۰۹۰	-۰/۳۳۰
CFO	۵۸۸	-۰/۲۲۶	-۰/۰۱۰	۴/۸۸۶	-۰/۰۶۰	-۰/۰۸۰
BM	۵۸۸	-۰/۹۶۱	۱/۳۴۵	۸/۳۹۵	۰/۸۳۳	۲/۲۴۸
INDIR	۵۸۸	-۰/۶۱۷	-۰/۶۰۰	۰/۲۱۷	-۰/۵۰۰	-۰/۸۰۰
GROWTH	۵۸۸	-۰/۲۱۶	-۰/۱۴۰	۰/۶۴۰	-۰/۰۷۰	-۰/۲۳۰

۷۰/۷۵۰	۶/۰۹۰	۳۳/۰۳۲	۲۳/۳۰۰	۳۵/۵۵۶	۵۸۸	OWNER
۰/۷۵۸	-۰/۰۷۰	۱۲/۵۹۳	-/۲۲۰	۱/۱۳۴	۵۸۸	BETA
۰/۴۸۰	-/۱۴۰	۱۲/۹۵۰	-/۳۰۰	-۰/۳۸۵	۵۸۸	ROE
۱/۴۶۸	-۰/۱۵۸	۸/۶۰۹	-/۴۰۵	-/۱۲۵	۵۸۸	DURG
-/۰۰۰	-/۰۰۰	-/۲۲۰	-/۰۰۰	-/۰۵۱	۵۸۸	ST/PT
۱۴۴۵۱۱/۷۵	۷۲۸/۰۰	۲۱۱۰۹۱۸۱/۸۰	۳۸۰۵۴/۰۰	۱۱۴۵۳۱۲/۲۳	۵۸۸	TACC
۱۲۰۸۹۱۵/۵۰	۲۴۸۴۳۴/۵۰	۸۵۵۰۱۸۲/۱۹	۵۲۹۱۶۱/۵۰	۲۴۶۱۳۳۵/۵۲	۵۸۸	TA
۱۰۴۹۳۳/۰۰	-۲۱۹۵/۷۵	۱۴۹۲۰۸۱/۴۱	۳۶۹۳۱/۵۰	۲۱۸۴۲۲/۷۲	۵۸۸	ΔREV
۴۴۲۶۸۹/۵۰	۸۳۳۲۳/۰۰	۳۶۶۳۹۲۷/۷۳	۱۸۳۲۰۹/۵۰	۱۰۲۵۰۳۴/۳۵	۵۸۸	PPE
۴۴۳۳۰/۷۵	-۶۹۱۱/۲۵	۱۲۱۶۸۷۲/۹۳	۸۳۷۴/۵۰	۶۸۹۹۸/۹۴	۵۸۸	ΔREC

#### ۲-۴- نتایج آزمون فرضیه‌ها

فرضیه‌ی اول: «کیفیت حسابداری مستقل با مدیریت سود رابطه معنادار دارد.»  
برای آزمون این فرضیه از مدل رگرسیون زیر استفاده شد. نتایج در نگاره‌ی ۲ ارائه شده است:

$$|DACC_{it}| = \beta_0 + \beta_1 AUD_{it} + \beta_2 BETA_{it} + \beta_3 BM_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 SIZE_{it} + \beta_6 CFO_{it} + \beta_7 ST/PT_{it} + \beta_8 OWNER_{it} + \beta_9 INDIR_{it} + \varepsilon_i$$

نگاره‌ی ۲: ضرایب مدل رگرسیون

<i>P-Value</i>	آماره <i>t</i>	برآورد	ضریب	متغیر
۰/۰۰۰۱	-۴/۰۷۰	-۴/۳۶۲***		عرض از مبدا
۰/۰۰۱	-۳/۱۴۱	-۲/۰۳۲***		AUD
۰/۹۲۸	۰/۰۹۰	۰/۰۰۱		BETA
۰/۰۰۰۱	-۴/۲۸۶	-۰/۰۵۱***		BM
۰/۰۰۴	۲/۸۶۲	۱/۴۶۶***		LEV
۰/۰۰۰۱	۴/۲۷۳	۰/۷۶۲***		SIZE
۰/۰۰۰۱	-۲۳/۶۹۸	-۰/۴۸۵***		CFO
۰/۶۷۴	-۰/۴۲۱	-۰/۲۰۵		ST/PT
۰/۶۰۷	۰/۵۱۵	-/۰۰۲		OWNER
۰/۵۱۲	۰/۶۵۷	-/۳۰۴		INDIR

انحراف استاندارد	دوربین واتسون	$F^2$ تعدیل شده	آماره	
۲/۳۹۱	۱/۹۱۶	۰/۵۲۷	۰/۵۳۴	۰/۷۳۱

\*\*\* معنی دار در سطح ۱ درصد، \*\* معنی دار در سطح ۵ درصد، \* معنی دار در سطح ۱۰ درصد.

با توجه به معنی دار بودن  $\beta_1$  فرضیه‌ی اول در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید شد. بنابراین، بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود رابطه‌ی منفی معناداری وجود دارد. به عبارتی، با افزایش کیفیت حسابرسی عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و مالکان کاهش می‌یابد و اعمال نظر فرصت طلبانه‌ی مدیریت در صورت‌های مالی محدود می‌شود. در نتیجه، مدیریت سود کاهش می‌یابد.

فرضیه‌ی دوم: «کیفیت حسابرسی مستقل با هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام رابطه‌ی معنادار دارد.»

برای آزمون این فرضیه از مدل رگرسیون زیر استفاده شد و نتایج در نگاره‌ی ۳ دیده می‌شود:

$$ROE_{it} = \beta_0 + \beta_1 DURG_{it} + \beta_2 AUD_{it} + \beta_3 AUD_{it} * DURG_{it} + \beta_4 BETA_{it} + \beta_5 BM_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 SIZE_{it} + \beta_8 GROWTH_{it} + \beta_9 OWNER_{it} + \beta_{10} INDIR_{it} + \varepsilon_i$$

نگاره‌ی ۳: ضرایب مدل رگرسیون

<i>P-Value</i>	آماره <i>t</i>	برآورد	ضریب	متغیر
۰/۰۳۰	۲/۱۷۴	۱۲/۴۶۷**		عرض از مبدا
۰/۸۷۰	۰/۱۶۴	۰/۲۰۰		DURE
۰/۰۰۱	۳/۴۳۰	-۲/۰۷۲***		AUD
۰/۳۰۴	۱/۰۲۸	۰/۲۲۳		AUD*DURG
۰/۹۳۱	-۰/۰۸۷	-۰/۰۰۴		BETA
۰/۸۵۶	۰/۱۸۲	۰/۰۱۴		BM
۰/۷۶۸	-۰/۲۹۵	-۰/۷۷۶		LEV
۰/۰۱۳	-۲/۴۹۰	-۲/۳۹۰**		SIZE
۰/۵۲۷	۰/۶۳۳	۰/۵۳۹		GROWTH
۰/۹۰۲	۰/۱۲۴	۰/۰۰۲		OWNER
۰/۷۹۰	۰/۲۶۷	۰/۶۷۰		INDIR
انحراف استاندارد	دوربین واتسون	$F^2$ تعدیل شده	آماره	
۱۲/۹۱۷	۱/۷۳۳	۰/۰۰۵	۰/۰۲۲	۰/۱۴۸

با توجه به معنی‌دار بودن  $\beta_2$ ، فرضیه‌ی دوم در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید شد. بنابراین، بین کیفیت حسابداری با هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام رابطه‌ی منفی معناداری وجود دارد. به عبارتی، با افزایش کیفیت حسابداری ریسک اطلاعاتی سرمایه‌گذاران کاهش می‌یابد و آن‌ها صرف ریسک کمتری را درخواست می‌کنند؛ در نتیجه هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام کاهش می‌یابد.

بر اساس یکی از فرض‌های مدل کلاسیک رگرسیون خطی، باید بین جملات خطاهای رگرسیون همبستگی وجود نداشته باشد (مستقل باشند). آزمون دوربین واتسون D-W برای بررسی خود همبستگی بین جملات خطای مدل استفاده می‌شود. در صورتی که این آماره برای مدلی در اطراف ۲ برآورد گردد (بین ۱ و ۳ و در حالت سختگیرانه‌تر بین ۱/۵ و ۲/۵)، نشان‌دهنده‌ی عدم وجود خودهمبستگی در مدل است. این آماره برای مدل‌های این پژوهش عددی نزدیک به ۲ به دست آمد.

از دیگر مفروضات کلاسیک رگرسیون، مستقل بودن خطاها، ثابت بودن واریانس خطاها، نرمال بودن خطاها و نرمال بودن متغیر وابسته است. برای بررسی مستقل بودن خطاها، از نمودار خطاها در مقابل ترتیب زمانی؛ برای آزمون ثابت بودن واریانس خطاها، از نمودار خطاها در مقابل مقادیر برآورد شده؛ برای بررسی توزیع نرمال خطاها با میانگین صفر، از رسم نمودار مستطیلی استفاده و تمامی فرض‌ها تأیید شد. همچنین، برای آزمون نیکویی برازش و نرمال بودن متغیر وابسته آزمون کلوموگراف-اسمیرنف<sup>۲۵</sup> به کار رفت.

## ۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

### ۵-۱- نتیجه‌گیری

تفکیک مالکیت و کنترل به عنوان پایه و اساس رابطه نمایندگی، موجب می‌شود تا مدیران به دنبال حداکثر کردن ثروت خود حتی به هزینه‌ی سهامداران باشند. گزارش‌های مالی با کیفیت بالاتر، مشکلات نمایندگی را کاهش می‌دهد؛ زیرا ارائه‌ی گزارش‌های مالی قابل اعتماد، موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. در نتیجه، ریسک اطلاعاتی کاهش می‌یابد. هر چه عدم تقارن اطلاعاتی و دستکاری سود کاهش یابد، اطلاعات حسابداری با کیفیت بالاتر افشا می‌شود و مفیدتر است. هم‌چنین، سرمایه‌گذاران را در قضاوت‌های بی-طرفانه و آگاهانه یاری می‌کند. بنابراین، اطلاعات با کیفیت بالاتر هزینه سرمایه را کاهش و کارایی شرکت را افزایش می‌دهد.

نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی اول، یعنی وجود رابطه‌ی منفی معنادار بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود مطابق با یافته‌های پژوهش انجام شده توسط جردن و همکاران (۲۰۱۰)، لین و هوانگ (۲۰۱۰)، کاناگارتنام و همکاران (۲۰۱۰) و ابراهیمی کردلر و سیدی (۱۳۸۷) است. نتیجه آزمون فرضیه‌ی دوم در سال‌های مورد بررسی حکایت از وجود رابطه منفی معنادار بین کیفیت حسابرسی و هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. این نتیجه، منطبق با پژوهش انجام شده توسط فرناندو و همکاران (۲۰۱۰) است.

در مسیر پژوهش محدودیت‌هایی از جمله در نظر نگرفتن برخی متغیرهای کنترلی چون حجم معاملات سهام تقسیم بر جمع سهام ممتاز، عرضه‌ی سهام شرکت به سهامداران بیرونی، شاخص بازار برای هر بازار معاملاتی در هر منطقه و هم چنین تفکیک مؤسسات حسابرسی براساس صنعت وجود داشت که شاید بر نتایج اثر گذار بوده باشد.

## ۵-۲-پیشنهادهاد

از آنجا که قابلیت اتکای اطلاعات مالی شرکت، یکی از دلایل جذب اعتماد سرمایه‌گذاران است، حسابرسی با کیفیت بالاتر موجب شفافیت اطلاعاتی بیشتر می‌شود، که به نظر می‌رسد برای موفقیت بازار در جذب سرمایه‌گذاران ضرورت دارد. تأیید فرضیه‌های تحقیق بیانگر آن است که افزایش کیفیت حسابرسی موجب بهبود کیفیت اطلاعات و بهبود تصمیم‌گیری مالی می‌شود. در نتیجه، اولاً به سازمان بورس و اوراق بهادار توصیه می‌شود، که طبقه‌بندی مؤسسات حسابرسی معتمد بورس بر حسب نوع صنعت را در دستور کار خود قرار دهد؛ ثانیاً برای بالا بردن اعتبار گزارش‌های حسابرسی، دوره‌ی تصدی حسابرسی را نیز به عنوان معیار کیفیت گزارش‌های حسابرسی در نظر گیرد.

## یادداشت‌ها

- |   |                                |
|---|--------------------------------|
| 1- Enron and Worldcom                   | 14- Portfolio Share Approach   |
| 2- Zureigat                             | 15- Hou, VanDijk & Zhang       |
| 3- Moral hazard                         | 16- Ashbaugh, Collins & Lafond |
| 4- Wallace                              | 17- Witmer & Zorn              |
| 5- Fernando and Abdel- Meguid and Eider | 18- Nissim                     |
| 6- Zengn & Ozkan                        | 19- Kanagaretnam, Kim & Lobo   |
| 7- Chen, Chen, Lobo & Wang              | 20- Jordan, Clark & Hames      |



- |                                 |                                |
|---------------------------------|--------------------------------|
| 8- Hanif                        | 21- Lin & Hwang                |
| 9- El Mir & Seboui              | 22- Jon, Carles, Rezaul, & Luc |
| 10- Bushman & Smith             | 23- Kim                        |
| 11- Li, Stokes, Taylor and Wang | 24- Kolmogorov-Smirnov Test    |
| 12- De Angelo                   |                                |
| 13- Chi, Lei Lisic & Pevzner    |                                |

## کتابنامه

### الف) فارسی

- ۱- ابراهیمی کردلر، علی و سیدی، سید عزیز. (۱۳۸۷). «نقش حسابرسان مستقل در کاهش اقلام تعهدی اختیاری»، بررسی های حسابداری و حسابرسی، صص ۳-۱۶.
- ۲- اعتمادی، حسین؛ محمدی، امیر و ناظمی اردکانی، مهدی. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه ی بین تخصص صنعت حسابرس و کیفیت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، مجله ی پژوهش های حسابداری مالی، صص ۱۷-۳۲.
- ۳- حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۴). فلسفه ی حسابرسی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- ۴- کمیته ی فنی سازمان حسابرسی. (۱۳۸۱). استانداردهای حسابداری، تهران، انتشارات سازمان حسابرسی.
- ۵- نمازی، محمد؛ بایزیدی، انور و جبارزاده کنگرلویی، سعید. (۱۳۸۹). «بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، مجله تحقیقات حسابداری و حسابرسی.
- ۶- نونهال نهر، علی اکبر؛ جبارزاده کنگرلویی، سعید و پورکریم، یعقوب. (۱۳۸۹). «رابطه ی بین کیفیت حسابرس و قابلیت اتکای اقلام تعهدی»، بررسی های حسابداری و حسابرسی، صص ۵۵-۷۰.

### ب) انگلیسی

- 7- Armstrong, C.; Core, J., Taylor, D. & Verrecchia, R. (2011). "When Does Information Asymmetry Affect the Cost of Capital?", *Journal of Accounting Research*, Vol. 49, No. 1.

- 8- Ashbaugh, H.; Collins, D.W .&Lafond, R.(2004)."Corporate Governance and The Cost of Equity Capital", Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=639681>
- 9- Bushman, R .& Smith, A.(2001)."Fanancial Accounting Information and Corporate Governance ", *Journal of Accounting and Economics*, pp.237-333.
- 10- Chen,H.; Chen, J.Z.; Lobo,G .& Wang,Y.(2011)."Effects of Audit Quality on Earnings Management and Cost of Equity Capital:Evidencefrom China",Electronic Copy Available at: <http://ssrn.com/abstract=1105539>.
- 11- Chi, W.; Lei Lisc, L .& Pevzner, M.(2011). "Is Enhanced Audit Quality Associated with Greater Real Earnings Management?",*American Accounting Association*, Vol. 25, No. 2, pp. 315–335.
- 12- El Mir, A.& Seboui, S.(2008)."Corporate Governance & The Relationship Between EVA and Created Shareholder Value ", *Corporate Governance*, pp.46-58.
- 13- Fernando,G.D.; Abdel-Meguid,A.M .& Elder, J.R.(2010). "Audit Quality Attributes, Client Size and Cost of Equity Capital",*Review of Accounting and Finance*,Vol. 9, No. 4, pp. 363-381.
- 14- Hanif,M.(2010)."Implications of Earnings Management for Implementation of Sharia Based Financial System, Electronic Copy Available at: <http://ssrn.com/abstract=1507022>.
- 15- Hou, K.; VanDijk, M.A. & Zhang, Y.(2011). " The implied cost of capital: A new approach",*Journal of Accounting and Economics*, pp.504-526.
- 16- Jong, A.de.; Carles, G.; Rezaul, K.& Luc ,R .(2002)." International Corporate Governance and Firm Performance: An Empirical Analysis",*Work Paper*.

- 17- Jordan, Ch.E.; Clark, J.S. & Hames, Ch.C. (2010). "The Impact of Audit Quality on Earnings Management to Achieve User Reference Points in EPS", *The Journal of Applied Business Research*, Vol. 26, pp.19-30.
- 18- Kim, O. (2010). "The Impact of Cross-listing on the Cost of Equity Capital: The Case of American Depository Receipts (ADRs) and Global Depository Receipts (GDRs)", [www.business.uq.edu.au](http://www.business.uq.edu.au).
- 19- Kanagaretnam, K.; Kim, Ch. Y. & Lobo, G. (2010). "Auditor Reputation and Earnings Management: International Evidence from the Banking Industry", Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=1568866>.
- 20- Lambert, R.; Leuz, CH. & Verrecchia, R.E. (2007). "Information Asymmetry, Information Precision, and the Cost of Capital", *The National Bureau of economic research*.
- 21- Li, Y. S., Taylor, S. & Wong, L. (2009). "Audit Quality, Earning Quality and the Cost of Equity Capital", Electronic Copy Available at: <http://ssrn.com/abstract=1481823>.
- 22- Lin, J. & Hwang, M. (2010). "Audit Quality, Corporate Governance, and Earnings Management: A Meta-Analysis", *International Journal of Auditing*, pp. 57-77.
- 23- Myers, J. N.; Myers, L. A. & Omer, T. C. (2003). "Exploring the Term of the Auditor-client Relationship and the Quality of Earnings: A Case for Mandatory Auditor Rotation?", *Accounting Review*, Vol. 78, pp.779-800.
- 24- Nissim, D. (2010). "Implied Cost of Equity Capital in the U.S. Insurance Industry", [www.hbs.edu](http://www.hbs.edu).
- 25- Witmer, J. & Zorn, L. (2007). "Estimating and Comparing the Implied Cost of Equity for Canadian and U.S. Firms". Working Paper, [www.bankofcanada.ca](http://www.bankofcanada.ca).

- 26- Zengn,K,Y.&Ozkan,S.(2010)." Audit Quality and Earning Management In Interim Financial Reports ", Electronic Copy Available at: <http://ssrn.com/abstract=1733070>.
- 27- Zureigat,Q.M.(2011)."The Effect of Ownership Structure on Audit Quality:Evidence from Jordan ",*International Journal of Business and Social*